



## یادداشت

همه با هم به جنگ طلبان و ماجرا جویان نه بگوئیم

صادق کار



در دو سه روز اخیر خبرهایی منتشر شده که نگرانی از احتمال جنگ را بار دیگر افزایش داده است. پس از جواب رد خامنه‌ای و کارگزاران حکومتی رژیم به درخواست توقف غنی سازی و تأکیدات مکرر طرفین روی مواضع خود به همراه انتشار خبر تخلیه قرارگاه نظامی امریکا در عراق و یکسری خبرهای هشدار دهنده به امریکایی‌های مقیم اسرائیل و کشورهای عربی برای رعایت احتیاط، بیم و نگرانی از انجام عملیات نظامی اسرائیل یا امریکا و یا هر دو نه تنها در میان مردم ایران، بلکه در اسرائیل و کشورهای عربی و فراتر از آن در میان بسیاری از کشورهای دیگر بالا گرفته است.

خیلی‌ها این تحولات را پیش درآمد یک حمله نظامی قریب الوقوع به ایران تلقی می‌کنند، برخی رسانه‌های ایران از آن به عنوان اهرم فشار در مذاکرات روز یکشنبه در مسقط برای گرفتن امتیازنام می‌برند. براستی نظر به غیر قابل پیشبینی بودن رفتار ترامپ و عجله اسرائیل برای حمله به مراکز هسته‌ای وقوع حمله را با وجود عدم تمایل دو طرف به جنگ کلاً نامحتمل نمی‌دانند.

بهر حال به نظر می‌رسد که تا پایان دور ششم مذاکرات در مسقط که دو روز دیگر برگزار می‌شود و احتمال پیشرفت در آن هم هست حمله‌ای رخ ندهد. نظر به اینکه وعده دو ماهه ترامپ به پایان رسیده است امکان اینکه این یک بلوف برای حفظ آبرو باشد هم منتفی نیست. از کسی که در آغاز مذاکرات آن همه تجهیزات نظامی به دیوگوارسیا آورد تا بعنوان فشار برای پیشبرد مذاکرات به سود خود از آن بهره بگیرد و بطور ناگهانی در میانه مذاکرات تجهیزات و تدارکات خود را تخلیه کرد، یا توقف و از سرگیری تحریمها در ظرف سه روز، انجام هیچ اقدامی چندان غیر مترقبه نیست. با این همه حتی اگر ترامپ قصد رفتن پای جنگ با جمهوری اسلامی را نداشته باشد و هر چه کرده و می‌کند برای فشار به طرف برای تسلیم حکومت اسلامی مستقر بوده باشد، ولی در اینکه دولت دست راستی و بحران زده و تحت فشار اسرائیل که برای حمله به ایران عجله دارد ممکن است از این بلبشو برای حمله بهره بگیرد و ترامپ را در موقعیتی نا خواسته قرار دهد منتفی نیست.

صدور قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس اتمی درست در وسط این وضعیت نیز عملاً می‌تواند راه حمله احتمالی به ایران را برای اسرائیل یا امریکا تصریح کند و فشارهای جهانی به اسرائیل بر سر جنایات در غزه را کاهش دهد.



بر خلاف آنچه بعضا ادعا می کنند هر حمله نظامی احتمالی تنها متوجه تضعیف رژیم نیست ای چه بسا حمله نظامی خارجی به جای تضعیف به تقویت موقعیت رژیم و تضعیف اپوزسیون و به ضرر مردم ایران تمام شود و روند دمکراتیکی را که در کشور برای سرنگون کردن رژیم جریان دارد مختل کند.

از همین رو آماده کردن مردم برای مبارزه علیه جنگ و جنگ طلبان و جلوگیری از تحمیل جنگی دیگر همراه با فشار برای پایان دادن به مناقشه ویرانگر و فاجعه بار و پرهزینه هسته‌ای برای سرنوشت امروز و فردای مردم اهمیت اساسی دارد. بازنده هر جنگی شک نکنیم که از هر لحاظ مردم کشور ما هستند. بنا بر این در زمانی که زمزمه شوم جنگ ولو در حد تهدید بلند است همه‌ی مردم با اعتراض خود باید تلاش کنند، این صدای شوم جنگ خواهی را که حاصلی جزء مرگ و یرانی و عقب ماندگی برای ما ندارد از هر سو که باشد در گلو خفه کنیم.

بهترین و کم خطر ترین گزینه برای دفع خطر جنگ به نظر می رسد تامین نظر آژانس انرژی اتمی و پذیرش نظارت بدون مانع این سازمان بر صلح آمیز بودن فعالیت هسته‌ای ایران باشد. اگر ابلهان حاکم بر ایران قبل از صدور قطعنامه محکومیت ایران با آژانس همکاری کامل می کردند، شاید قضیه به قرار گرفتن میان تسلیم یا جنگ کشیده نمی شد. امروزه عملا بحران هسته‌ای به حدی عمق پیدا کرده که عبور سلامت کشور و مردم از آن به سختی میسر است.

در هر صورت اکثر مردم ایران نسبت به عواقب جنگ مطلع هستند و با هر نوع جنگ و حمله نظامی که به کشور و زندگی شان لطمه بزند مخالفند و مایلند با همه‌ی ملل جهان که چشم طمع به کشورشان نداشته باشند پیش و پس از سرنگون کردن رژیم مستبد و سرکوبگر و بحران ساز حاکم بر ایران در صلح و صفا زندگی کنند و با همه داد و ستد داشته باشند.

## نه به جنگ و استبداد آری به صلح و آزادی

## تجاوز دولت جنایتکار اسرائیل به ایران را محکوم می کنیم

تحول اندیشه درباره فقر: بررسی تعاملات بخش هفتم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته‌ی راوی کانبور



رشد، نابرابری و فقر 3



کسانی که فقر را به مثابه کمبود درآمد یا کالا می‌دیدند، توجه خود را به طور طبیعی به افزایش درآمد سرانه - یعنی رشد اقتصادی - به عنوان راهبردی بالقوه برای کاهش فقر معطوف کردند. تنها پرسش این بود که آیا این افزایش درآمد به همان میزان نصیب فقرا نیز می‌شود یا آنان را پشت سر باقی می‌گذارد. در سال ۱۹۵۵، به موضوع رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی توجه کرد و آن را در مرکز (Simon Kuznets) سیمون کوزنتس بسیاری از تحلیلها و اندیشه‌های اقتصادی توصیف کرد. او به گفته خودش این مسئله را با حدود ۵ درصد اطلاعات تجربی و ۹۵ درصد حدس و گمان بررسی کرد و برای داده‌های اندک اش هم توضیحاتی فرضی و وارونه "شناخته می‌شود، U استدلالهایی نظری ارائه داد. آنچه اکنون به نام منحنی کوزنتس یا "فرضیه حاصل یک تمرین عددی فرضی است. بر پایه این ایده، اقتصادهای عمدتاً کشاورزی با توزیعی نسبتاً عادلانه و میانگینی پایین آغاز می‌شوند. اما با رشد این اقتصادها، بخشی از جمعیت به بخشهایی با میانگین درآمد بالاتر ولی نابرابری بیشتر منتقل می‌شود. در ابتدا این انتقال موجب افزایش نابرابری می‌شود. اما با پیشرفت بیشتر کشور جمعیت بیشتری از بخش روستایی و کشاورزی خارج می‌شود و در نهایت نابرابری کاهش می‌یابد. این تصویر تا حد زیادی بر نظریه اقتصاد دوگانه‌ی لئوپولد استوار بود. در مثال عددی کوزنتس، سهم درآمدی پایین‌ترین قشر جمعیت در همه موارد کاهش یافته بود. البته چنین الگویی در داده‌های واقعی او یافت نشد.

کوزنتس فرضیات خود را بر داده‌های بلندمدت کشورهای صنعتی بنا کرد، اما بسیاری از پژوهشهای بعدی با استفاده از داده‌های مقطعی بین کشورها به بررسی این فرضیه پرداختند. این مطالعات الگویی از افزایش قابل توجه نابرابری همزمان با افزایش سطح درآمد را نشان دادند، ولی اثر آن بر کاهش فقر مبهم بود و از فقر مطلق گرفته تا رشد کمتر از میانگین را دربر می‌گرفت. مطالعات بعدی به انتقاد از این پژوهشهای مقطعی پرداختند، زیرا اثرات خاص هر کشور و تفاوت‌های اندازه‌گیری را نادیده گرفته بودند. مطالعات بعدی به داده‌های سری زمانی تازه در سطح کشورها روی آوردند.

کوزنتس تدریجاً کنار گذاشته شد و این نتیجه جای آن را گرفت که نابرابری و درآمد با هم U در نتیجه، منحنی ارتباطی نظاممند و براساس یک قانون تغییرناپذیر ناظر بر توسعه ندارند.

برای نمونه، در یک مطالعه روی ۴۹ کشور، در ۴۰ کشور (یعنی بیش از ۸۰ درصد نمونه‌ها)، هیچ رابطه آماری و نه) شکل U معناداری میان نابرابری و درآمد دیده نشد. از ۹ کشور باقیمانده، در ۴ مورد رابطه‌ای مشاهده شد. در واقع، منحنی کوزنتس تنها در ۵ کشور از ۴۹ کشور تأیید شد. همچنین، (وارونه کوزنتس U و راوالیان (Chen) به نظر نمی‌رسد رابطه ساده‌ای میان نابرابری و رشد وجود داشته باشد. چن دریافتند که نابرابری رشد مصرف متوسط در ۴۳ دوره بررسی شده (دوره‌هایی که برایشان دو (Ravallion) پیمایش خانوار در یک کشور موجود بوده) فاقد همبستگی اند.

در غیاب منحنی کوزنتس، ادبیات جدیدتر به یک الگوی تجربی متفاوت اشاره دارد: با افزایش داده‌های سری زمانی، مشخص شده که نابرابری کل، مثلاً با شاخص جینی، معمولاً از سالی به سال دیگر تغییرات شدیدی نمی‌کند. در واقع، یک مطالعه روی داده‌های ۴۹ کشور نشان داد که ۹۱.۸ درصد از تغییرات در نابرابری ناشی از تفاوت‌های بین کشورها بوده و تنها ۰.۸۵ درصد مربوط به تغییرات درون‌زمانی بوده است. همان مطالعه همچنین نشان داد که کشورهای کمی روند معنادار آماری در نابرابری داشته اند: در ۳۲ کشور از ۴۹ کشور هیچ روندی مشاهده نشد، در ۱۰ کشور روند افزایشی و در ۷ کشور روند کاهشی دیده شد. این به معنای آن نیست که نابرابری اصلاً تغییر نمی‌کند - بدیهی است که تغییر می‌کند، و در برخی موارد مانند چین،



اروپای شرقی، و بریتانیا حتی با سرعت زیاد، با این حال، در بسیاری از کشورها، طی دوره‌های زمانی طولانی، نابرابری به طرز شگفت‌انگیزی پایدار باقی می‌ماند. و هر جا که نابرابری به سرعت تغییر کرده، فقط افزایش داشته است و نه کاهش؛ شواهدی از کاهش سریع نابرابری در دست نیستند. در مورد آن هفت کشوری که در نمونه بالا نابرابری داشتند، نرخ متوسط کاهش 0.3 واحد جینی در سال بود. این به آن معناست که اگر کشوری سطح نابرابری مشابه کشورهای آمریکای لاتین داشته باشد، حدود 60 سال طول می‌کشد تا به میانگین نابرابری سایر کشورهای در حال توسعه برسد.

## اتحاد رمز پیروزی است!

## متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

آزادی سپیده قلیان را شادباش می‌گوییم

جنگ کارگری



سپیده قلیان مبارز دلیر و استوار حامی جنبش کارگری و از مدافعان پر تلاش جنبش زن زندگی، آزادی پس از گذراندن دوران محکومیت ۲ ساله خود با سه ما تاخیر از زندان آزاد شد.

سپیده قبل از محکومیت دوساله آخرش هنگام آزادی از زندان بخاطر دادن شعار علیه علی خامنه‌ای در نیمه راه خانه‌اش بازداشت و به زندان برگردانده شد و به دوسال زندان تازه محکوم شد. با این وصف او روحیه بالا و استوار خود را از دست نداد و در زندان نیز به مبارزات خود در کنار سایر زنان زندانی ادامه داد و پس از گذراندن مدت محکومیت خود سرافرازانه همان طور که از او انتظار می‌رفت از زندان آزاد شد.

ما آزادی سپیده عزیز را به ایشان، خانواده گرامی و همه ی مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی صمیمانه شادباش می‌گوییم و آرزوی آزادی بقیه زندانیان سیاسی خاصه زنان دلاور و سرفراز زندانی را داریم.

## کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

## اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

## از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!



امیدی به سازمان بین المللی کار نیست

صادق



هر ساله هنگام برگزاری مجمع عمومی سازمان بین المللی کار در ژنو عده‌ای از فعالین و مدافعان حقوق کارگر ایرانی نیز از کشورهای مختلف برای اعتراض به حضور هیئت دولتی رژیم اسلامی و سرکوب فعالیتهای سندیکایی به ژنو می روند. با تلاش این افراد تعدادی از نمایندگان اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف با حضور در تجمعات اعتراضی فعالین ایران و ارسال پیام همبستگی از خواسته های کارگران ایرانی حمایت می کنند. گزارشات مربوط به این تجمعات نیز توسط تعدادی از رسانه ها و فضای مجازی در اختیار عموم قرار می گیرد.

با این وصف به رغم سالها تلاش پیگیرانه و صبورانه این گروه ها تغییری در رویه سازمان بین المللی کار نسبت به پامال سازی مقابله نامه های این سازمان جهانی توسط رژیم ایران بوجود نیامده که هیچ بلکه روابط این نهاد بین المللی با رژیم حاکم بر ایران به رغم اطلاع این سازمان از نقض فاحش حقوق سندیکایی کارگران و مزد و حقوق بگیران ایران توسط رژیم حاکم بیشتر شده است و محدودیتی بر سر راه شرکت هیئت اعزامی وابسته به حکومت که بعنوان نمایندگان کارگران ایران به اجلاس های این سازمان فرستاده می شوند بوجود نیامده است.

سازمان بین المللی کار می تواند ادعا کند که تعیین ترکیب هیئت های اعزامی از کشورها به لحاظ حقوقی وظیفه دولتهاست و این سازمان نمی تواند در این کار دخالت نماید. با این حال این نهاد بین المللی که یکی از وظایف اش نظارت بر اجرای مقابله نامه های این سازمان است، اگر نمی تواند برابر مقررات خود مانع از حضور تشکلهای کارگری حکومتی بشود، حداقل می تواند نقص مکرر و مداوم مقابله نامه های خود در ایران را محکوم و دولت ایران را به شکل دیگری برای پذیرش آنها تحت فشار قرار دهد.

ولی این کار را هم نمی کند. سابقه تذکر این سازمان در این خصوص به زمان ریاست جمهوری خاتمی بر می گردد که با اعزام هیئتی به ایران نقض حق تشکل به شکل قانونی در ایران را تأیید کرد و پیشنهاد های برای رفع آن داد که البته هیچگاه نه دولتها به آن عمل کردند و نه این سازمان قضیه را به رغم تشدید سرکوب تشکلهای مستقل سندیکایی از آن پس پیگیری کرد. در نتیجه رژیم با فراغ بال سرکوب تشکل های مستقل سندیکایی را ادامه داده و می دهد.



البته رویکردهای سازمان بین المللی کار پس از فروپاشی سوسیالیسم عملاً موجود بیشتر به راست گرایش پیدا کرده و برخی از مقاوله نامه های آن مسکوت گذاشته شده و یا اصل و فرع شده اند. این تغییرات کلاً هم بسود نظام های دیکتاتوری و استبدادی است و هم کلاً مطلوب نظام جهانی سرمایه داری در جهان است.

در این سازمان نیز سیاست سه جانبه گرایی در ظاهر حاکم است، اما تصمیمات اصلی نهایتاً توسط دولتها و نمایندگان سازمانهای کارفرمایی اخذ می شود و خیلی از کشورهای عضو و کارفرمایان هم از مناسبات و رویکرد هایی که در مناسبات کار و سرمایه در کشورهای مانند ایران برقرار است بدشان نمی آید و اصولاً آن را به نفع خود می دانند.

نیروی کار کم مزد و بدون حقوق چیزی نیست که هیچ سرمایه داری اصولاً تا وقتی سلطه بلامنازعه او را دچار مخاطره نکرده باشد، با آن مخالف باشد. یکی از دلایل حرکت سرمایه از کشورهای پیشرفته صنعتی بسوی کشورهای پیرامونی وجود بی قانونی حاکم بر بازار کار و دستمزدهای نازل نیروی کار در این کشورهاست.

درست بهمین خاطر است که احزاب سرمایه داری در کشورهای پیشرفته در سالهای اخیر در تلاشی بی وقفه در حال مقررات زدایی یا درست تر گفته باشم تعدیل و از میان برداشتن قوانین حمایتی و محدود کردن دایره فعالیت های اتحادیه ای هستند.

تغییرات به عمل آمده در رویکردهای سازمان بین المللی کار نیز تابعی از تضعیف سازمانهای کارگری در بعد جهانی است. بهمین جهت راه تغییر این رویکرد یک جانبه تقویت احزاب و سازمانهای سندیکایی در همه جای جهان است. هم از این رو نباید از بابت بی توجهی سازمان بین المللی کار نسبت به پایمال سازی حقوق کارگر و سرکوب سازمانهای سندیکایی تعجب کرد.

جهان فعلاً در مسیر خلاف انتظار زحمتکشان حرکت می کند و این تنها خود زحمتکشان هستند که مانند پدران و پدر بزرگ هایشان می توانند این مسیر را که جنون سود خلق کرده دگرگون کنند.

۲۲۰ خرداد ۱۴۰۴

**کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!**

**از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!**

بیانیه ی سندیکای کارگران شرکت واحد: پایان نسل کشی در غزه، خواست فوری تشکلهای کارگری و مدنی در سراسر جهان



## سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

نام خانوادگی، نام

## سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با نگرانی عمیق، تداوم محاصره و کشتار بی‌وقفه و ویرانی گسترده در نوار غزه پس از آتش‌بس اعلام‌شده در آغاز سال میلادی جاری را به شدت محکوم می‌کند. این نسل‌کشی آشکار که جان ده‌ها هزار انسان بی‌دفاع، از جمله کودکان و زنان را گرفته، وجدان بشریت را در سراسر جهان جریحه‌دار کرده و حتی صدای اعتراض برخی حامیان اسرائیل در دولت‌های غربی را نیز بلند کرده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بر این باور است که جنایات دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین، تنها با فشار جهانی و اتحاد نیروهای مدنی و کارگری از سراسر جهان متوقف خواهد شد. در چنین شرایطی، وظیفه‌ی همه‌ی ماست که با صدای رسا خواهان توقف فوری جنگ، پایان محاصره‌ی غزه، ورود بی‌وقفه‌ی کمک‌های انسانی و پاسخ‌گویی عاملان این فجایع در دادگاه‌های بین‌المللی باشیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد، که عضو فدراسیون بین‌المللی کارگران حمل و نقل است، بر نقش مهم و حیاتی جنبش‌های مستقل کارگری در مقابله با اشغال، تبعیض و بی‌عدالتی تأکید دارد. سندیکا همچون هم‌طبقه‌ای‌های خود در اتحادیه‌های کارگری فلسطینی، بر اصول مشترک انسانی و کارگری، مستقل از تمامی دولت‌ها و قدرت‌ها، پافشاری می‌کند و بارها تأکید کرده است که حمایت از مردم فلسطین و اعتراض به نسل‌کشی اسرائیل در غزه، وظیفه‌ی طبقاتی و انسانی همه‌ی ما کارگران است. همواره تأکید کرده‌ایم که هر درجه از اعتراض برحق و انزجار ما کارگران و مردم تحت ستم ایران نسبت به اقدامات سرکوبگرانه‌ی حاکمیت توجیه‌گر سکوت و بی‌تفاوتی نسبت به بیش از ۷۵ سال ظلم و ستم علیه مردم فلسطین و قتل‌عام و نسل‌کشی آنان توسط اسرائیل نمی‌باشد. همان‌گونه که فدراسیون بین‌المللی کارگران حمل‌ونقل، که همواره از مدافعان قاطع مبارزات کارگران و مردم تحت ستم ایران بوده است، اعلام کرده است: «جنایات جاری در فلسطین نشان‌دهنده‌ی شکست دولت‌ها در اجرای قوانین بین‌المللی است. هدف قرار دادن سیستماتیک غیرنظامیان، تخریب خانه‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها و آوارگی میلیون‌ها نفر، قابل توجیه نیست.»

در هفته‌های اخیر، حرکت‌های اعتراضی و هماهنگ‌شده‌ای از سوی اتحادیه‌های کارگری، نهادهای مردمی و فعالان مدنی مستقل از سراسر جهان شکل گرفته است که راهپیمایی جهانی به سوی غزه یکی از نمونه‌های برجسته‌ی آن است. سندیکای کارگران شرکت واحد از این ابتکارهای مستقل از دولت‌ها، که با



هدف پایان دادن به نسل کشی و محاصره‌ی غزه صورت می‌گیرد، حمایت می‌کند و بر ضرورت همبستگی جهانی برای دفاع از کرامت انسانی تأکید دارد.

نه به جنگ

نه به نسل کشی

زنده باد همبستگی کارگران در سراسر جهان  
چاره کارگران و زحمتکشان وحدت و تشکیلات است

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

خرداد ۱۴۰۴ ۲۳

برچیدن بساط برده‌دارانه شرکت‌های پیمانکاری بدون سازمانیابی ممکن نیست



هر گاه که اعتصابات و اعتراضات کارگری گسترش پیدا می‌کنند، معمولاً تشکلهای حاشیه‌ای حکومتی که هیچ نقشی در اعتراضات ندارند، وارد میدان می‌شوند تا اثرات اعتراضات را حتی الامکان خنثی نموده و یا آن را از مسیر درست خود منحرف کنند.

خبرگزاری ایلنا نیز به آنها امکان می‌دهد تا نظرات این جریانات را به شکل وسیع منعکس نمایند. زمانی نیز که یک تشکل مستقل تشکیل می‌شود و اعتصابی را سازماندهی و رهبری می‌کند، بلافاصله یک تشکل زرد وابسته به دستگاه قدرت را سرهم بندی می‌کنند تا در مقابل تشکل مستقل قد علم کند و در میان کارگران تفرقه افکند.

تشکلی از این جنس نیز پس از اعتصاب بزرگ کارگران پیمانکاری به همین منظور سرهم بندی شد که هیچ نقشی به غیر از نق زدن و گله و شکایت در اعتراضات و رقابت با تشکلهای مستقل شکل گرفته در شرکت‌های نفت و گاز برای خود تعریف نکرده است.

خبرگزاری ایلنا نیز همیشه برای تهیه گزارش به سراغ اعضای این گونه تشکلهای می‌رود و روایت آنها را بازتاب می‌دهد. اخیراً که دامنه اعتراضات در میان کارگران نفت بالا گرفته این خبرگزاری به سراغ یکی از اعضای تشکل خودی‌ها رفته است و گزارشی را با عنوان

**"چرا «تبدیل وضعیت» به نتیجه نمی‌رسد؟/ طرح ساماندهی طبل توخالی نباشد"**



## **منتشر کرده است، همانطور که هم از تیر و هم محتوا پیداست، در این گزارش کوشش شده ! است امید کاذب به رفع مشکلات در میان کارگران در وسط گسترش اعتراضات ایجاد کند**

انگیزه این نوشته پرداختن به مسئله از جهات دیگری است

در حالی که اعتراضات و مبارزات جانانه کارگران شرکتهای پیمانکاری برای برچیده شدن بساط برده‌دارانه این شرکتها در ماه‌های اخیر تشدید شده است، اما مقامات دولتی و نهادهای حکومتی به همراه صاحبان این شرکتها که مایل به از دست دادن سودهای غیر متعارفی که از این راه بدست می‌آورند نیستند نزدیک به چهار سال است مشغول سردواندن کارگران این شرکتها هستند

حدود چهار سال پیش اعتصاب بزرگی که در میان کارگران پیمانکاری‌ها در صنعت نفت انجام گرفت مجلس و دولت وقت قول دادند با تصویب لایحه‌ای در مجلس این خواست کارگران پیمانی شاغل در شرکتهای پیمانکاری را که رسمی شدن بود

قانون نیمه بندی را نیز در مجلس از تصویب گذراندند و چند بار به درخواست دولت، شورای نگهبان، شورای تشخیص مصلحت قانون مذکور را تعدیل کردند، با این وصف همان لایحه را نیز با وجود گسترش اعتراضات حاضر نیستند اجرا کنند و با این وعده موفق شدند اعتصاب را پایان دهند. با این حال به رغم تصویب لایحه‌ای از عملی کردن آن ۴ سال است امتناع می‌کنند

دلیل اصلی این امتناع به درهم تنیده گی منافع صاحبان این شرکتها که در واقع نقش دلال در بازار کار را دارند با نهادهای حکومتی است. به عبارتی این سه ضلع بواسطه منافع مشترکی که دارند حاضر به حذف واسطه‌ها که بخش بزرگی از اجرت زحمت کارگران را می‌دزدند و با هم تقسیم می‌کنند، به سختی در مقابل رسمی کردن کارگران پیمانی مقاومت می‌کنند و خیالشان هم راحت است که وزارت کار و نهادهای حکومتی دیگر مزاحمتی برایشان ایجاد نمی‌کنند، چون همه با هم می‌خورند

سبب مخالفت با رسمی کردن کارگران سود مضاعف است

دلیل اینکه مقامات حکومتی و صاحبان شرکتهای پیمانکاری با وجود مستمر بود کار حاضر به پذیرش درخواست کارگران نیستند، به سود مضاعفی بر می‌گردد که آنها از این بابت به جیب می‌زنند. دستمزد کارگران پیمانی در این شرکتها و همچنین سایر آیتم‌های مزدی حداقل ۴۰ درصد کمتر از رسمی‌هاست. این در حالی است که هردو یک کار را انجام می‌دهند

ایلنا در گزارشی که روز گذشته در این خصوص منتشر کرد نوشت: "یک فعال کارگری گفت: در پارس جنوبی تفاوت بسیار در زمینه حقوق و مزایا بین کارگر رسمی و پیمانکاری وجود دارد. کار کارگر پیمانکاری و ارکان ثالث اصلاً دیده نمی‌شود و اقداماتش به اسم دیگری مصادره می‌شود" البته اعتراض کارگران متوجه دستمزد بالاتر رسمی‌ها نیست. آنها برای همتراز کردن دستمزدها و مزایای خود مبارزه می‌کنند و واقعیت آن است که رسمی‌ها نیز از دستمزد خود راضی نیستند و چند بار نیز آنها برای افزایش دستمزدهای شان اعتراض و اعتصاب کرده‌اند

کارگران این شرکتها این تفاوت را تبعیض ناروا می‌دانند و خواهان رفع کامل این تبعیض هستند و این بدون رسمی شدن میسر نیست



لایحه مجلس نتیجه اعتصاب بزرگ کارگران پیمانی نفت و حمایت کارگران پیمانی شرکت‌های غیر نفتی بود. علت امتناع کارفرمایان از تن دادن به خواسته اصلی کارگران فروکش کردن آن اعتصاب یک پارچه قبل از گرفتن حق شان بود. آن تجربه و تجربیات دیگر برای کارگران روشن کرد برای درهم شکستن مقاومت صاحبان شرکت‌های پیمانی و وادار کردن آنان به پذیرش خواسته های عادلانه و بدیهی شان بدون سازمانیابی و اعتصابات گسترده و هماهنگ میسر نیست. با وجود این تجربه و گام برداشتن در این مسیر کارگران قطعاً سرانجام پیروز خواهند شد.

بهمین جهت آنها می دانند بدون توجه به وعده‌های کاذب حکومت و عوامل آنان لازم است پیگیرانه برای رسیدن به خواسته های خود این دو هدف را در دستور کار قرار داده و کوشش می کنند کارگران دیگر اعم از پیمانی و رسمی را با خود همراه کرده تا بتوانند به خواسته های خود سهلتر و سریعتر برسند. راه دیگری غیر از سازماندهی مستقل و اعتصاب فراگیر نیست.

خرداد ۱۴۰۴ ۲۳



بیانیه‌ی کانون صنفی معلمان تهران در دفاع از صلح و مخالفت با جنگ افروزی

ما معلمان، هر روز با کودکان سر و کار داریم. کودکانی که با چشم‌های پرسشگر، به دنبال فهم جهان هستند؛ جهانی که قرار بود جای یادگیری، دوستی و رویا باشد، نه صحنه‌ی انفجار، تخریب و مرگ.

ما با اندوه عمیق، نظاره‌گر گسترش جنگ در منطقه‌ای هستیم که سال‌هاست از حق صلح محروم مانده است.

سکوت در برابر آنچه این روزها در ایران، می‌گذرد و این حجم از خشونت و نفرت برای ما امکان پذیر نیست. ما در برابر هیچ قدرت نظامی، مذهبی یا سیاسی سر فرود نمی‌آوریم اما از کودکان به خاطر رنج و فشاری که تحمل می‌کنند، شرمساریم.

آنچه حاکمان اسرائیل در حق مردم روا می‌دارند، جنایت است. و ما حق داریم به عنوان یک نهاد صنفی مستقل، هشدار دهیم که

هیچ کشوری با مشت گره کرده، صلح نمی‌سازد -

هیچ ملتی از آوارگی، امنیت نمی‌آموزد -

ما باور داریم که صدای ما معلمان باید صدای صلح باشد. و این صلح، نه به معنای سازش با ظلم، بلکه به - معنای ایستادن کنار انسان‌ها به ویژه کودکان بی‌گناه است.



ما با صدای روشن اعلام می‌کنیم که -

.. با هرگونه جنگ افروزی، از هرسو، مخالفیم

با خشونت، چه به نام خدا، چه به نام وطن و حتی به نام آزادی مخالفیم -

ما با خاموشی در برابر رنج مردم، مخالفیم و -

از تمام نهادهای مدنی، صنفی، فرهنگی و آموزشی می‌خواهیم که در برابر عادی‌سازی خشونت، ایستادگی کنند و صدای همبستگی انسانی را بلند نگه دارند

در جهانی که کودکانش بی‌پناه هستند، ما نمی‌خواهیم بی‌تفاوت باشیم

در جهانی که سیاست‌مداران با سلاح سخن می‌گویند، ما می‌خواهیم با واژه، با آموزش و با وجدان، حرف بزنیم.

ما برای فرزندانمان صلح می‌خواهیم

صلحی پایدار برای آینده‌ای روشن و جهانی عاری از هر گونه خشونت

با احترام

کانون صنفی معلمان ایران(تهران)

۲۶/۳/۱۴۰۴

نه\_به\_جنگ

نه\_به\_استبداد



اعتراض کارگران پروژه‌ای نفت یادآوران به دستمزد کم

کارگران پروژه‌ای میدان نفتی یادآوران، خواستار بهبود شرایط مزد و حقوقی خود شدند





کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی تجاوز به ایران را محکوم کرد  
کنفدراسیون کارگران آفریقای جنوبی اعلام کرد: حملات اسرائیل (به ایران) منجر تقویت احتمال بروز جنگی  
فاجعه‌بار در کل جهان خواهد شد.



جنگ جنگ است، همیشه و در همه حال علیه ماست

اخبار روز

دوشنبه 26 خرداد 1404

خبرهای کوتاه

زنان، کارگران، زحمتکشان و همه‌ی ما مردمی که بیش از چهل سال است در میدان مبارزه‌ای بزرگ برای  
رهایی از ستم و سرکوب و بردگی مبارزه می‌کنیم، درصدی بزرگ و متحد را در جبهه‌هایی زنده و پویا علیه  
جنگ‌افروزان از هر نوع گرایش دینی، فاشیستی و ناسیونالیستی تشکیل می‌دهیم. جنگ جنگ است،  
همیشه و در همه حال علیه ماست، ما مردمی که نقشی در ایجاد و ادامه جنگ‌ها و بحران‌ها نداریم.

ما مردم از سال ۵۷ که انقلاب بزرگمان علیه بساط سلطنت و دیکتاتوری شاهی توسط ارتجاع دینی و ضد زن  
ربوده شد؛ به جنگی ناخواسته کشانده شدیم. میدان‌های تیرباران جوانان و مبارزانمان در دهه‌ی ۶۰، آغاز  
شروع جنگ با عراق و شعار «راه قدس از کربلا می‌گذرد». گشایش جبهه‌ای اساسی و بزرگ از جنگ بود  
برای ما و علیه ما جبهه‌ای دیگر از جنگ بود. وقتی خانه‌ی کوچک آسیه را با لودر بر سرش خراب کردند،  
صحنه‌ی دلخراش دیگری از جنگ بود. سال‌های ۸۸، ۹۶، ۹۸ و تا کنون جبهه‌های جنگ علیه ما یکی  
پس از دیگری و پر از آتش و خون گشوده شده‌اند. اسیدپاشی، کور کردن جوانان معترض، ربایش و قتل  
معترضین، زن‌کشی و خودکشی‌ها برای ما یکی پس از دیگر، صحنه‌آرایی جنگ‌هایی نابرابر بودند.

آمار زن‌کشی‌ها توسط کمپنیزم مردسالارانه‌ای که تولید بلافصل جمهوری اسلامی است، آمار تلفات جنگی  
دیگر است که بر ما تحمیل شده است. موجودیت این حکومت به سرکوب مردم و حضورش در بحران‌های  
منطقه‌ی خاورمیانه وابسته است. جریان حیاتش به جنگ و بحران و سرکوب گره خورده و جنگ برایش نعمت  
در شرایط کنونی نیز، حکومتی فاشیستی و سرکوبگر از همان جنس جمهوری اسلامی، ولی با نام . است  
اسرائیل در همسویی کامل با سرمایه‌ی جهانی، ابعاد جدیدی از جنگ را بر ما تحمیل کرده است تا در  
بده‌بستان‌های منفعت‌طلبانه بتوانند با مهره‌های قویتری به بازی ادامه دهند و قدرت جناحی خود را تحکیم  
کنند.



بمباران تهران و به آتش کشیدن آن، حمله به نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، زیرساخت‌ها و خانه‌های مردم، تفاوتی با حملات حکومت جمهوری اسلامی به خانواده‌های سیستان و بلوچستان و کردستان ندارد. هر کودکی که کشته می‌شود و هر منطقه‌ای اقتصادی که نابود می‌شود، ادامه‌ی همان احکام جمهوری اسلامی در سرکوب زندگی و معاش مردم است. حضور نظامی دولت فاشیستی اسرائیل با حمایت همه‌ی جناح‌های سرمایه از شرق و غرب بر فراز سر ما مردم به هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست. ما اجازه نخواهیم داد به غزه و لبنان دیگری تبدیل شویم. ما بساط همه شما را برخواهیم چید. «زن، زندگی، آزادی» در صدد برچیدن همه‌ی نیروهای ارتجاعی و فاشیستی داخلی و خارجی است که سد راه رهایی، برابری، عدالت و شادی مردم بوده و هستند.

جنگ نکبت است و مانع تسریع و تداوم مبارزاتمان. جنگ آن‌ها که نباشد، ما متشکل‌تر، قدرتمندتر و هدفمندتر می‌جنگیم!

خرداد ۱۴۰۴

جمعی از زنان تهران و کرج

جمعی از زنان فعال داخل کشور



## بیانیه‌ی جمعی از تشکل‌های مستقل ایران در مخالفت با جنگ و سیاست‌های جنگ‌افروزان

با توجه به شرایط بی‌ثبات و خطرناک امروز ایران و منطقه، تشکل‌های امضاکننده‌ی این بیانیه وظیفه‌ی خود دانسته‌اند که موضعی جمعی اتخاذ کنند.

زحمت‌کشان ایران – کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دیگر مزدبگیران – هیچ نفعی از جنگ، گسترش فضای نظامی‌گری، بمباران کشور و سیاست‌های سلطه‌گرانه و استثمارگرانه نداشته و نخواهند داشت.

حملات نظامی اسرائیل و بمباران صدها هدف در مناطق مختلف ایران، از جمله مراکز زیربنایی، محیط‌های کار، پالایشگاه‌ها و مناطق مسکونی، بخشی از پروژه‌ی جنگ‌افروزان‌ای است که بهای آن را مردم عادی، به‌ویژه زحمت‌کشان، با جان، معیشت و زندگی خود می‌پردازند.

ادعای اسرائیل مبنی بر نداشتن دشمنی با مردم ایران، چیزی جز دروغ و پروپاگاندای سیاسی نیست. همین دیروز، وزیر دفاع اسرائیل تهدید به «سوزاندن تهران» کرده است. تهدیدهای مکرر ترامپ و دیگر مقامات آمریکایی و حمایت کامل دولت‌های غربی از این اقدامات نیز تنها به افزایش تنش، ناامنی و تخریب در منطقه دامن زده‌اند.



دولت‌های اسرائیل و آمریکا از عاملان اصلی نسل‌کشی کنونی در غزه و بسیاری جنایات دیگر در منطقه و جهان‌اند و سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی‌ای که با ریاکاری ژست صلح‌طلبی می‌گیرند اما در عمل در برابر این جنایات سکوت می‌کنند، بخشی از همین ساختار سلطه‌اند. کلیت نظام جهانی سرمایه‌داری، منطق سودمحور آن و قدرت‌های امپریالیستی، از علل اصلی جنگ‌ها، فجایع انسانی و نابودی محیط‌زیست‌اند.

طبقه کارگر ایران نه تنها هیچ نفعی از جنگ ندارد، بلکه این جنگ‌ها مستقیماً زندگی و امنیت او را هدف قرار داده‌اند. تداوم تحریم‌های اقتصادی، تخصیص بودجه‌های کلان به امور نظامی، و محدودسازی آزادی‌ها منجر به فقر گسترده تر، سرکوب وسیع تر، گرسنگی، مرگ و آوارگی میلیون‌ها نفر خواهد شد.

ما تشکلهای و فعالان مستقل کارگری و مردمی در ایران، هیچ توهمی نسبت به اینکه آمریکا و اسرائیل می‌خواهند آزادی، برابری و عدالت برای ما به ارمغان بیاورند، نداریم – همان‌گونه که هیچ توهمی به ماهیت و عملکرد سرکوب‌گرانه، مداخله‌گرانه، ماجراجویانه و ضدکارگری جمهوری اسلامی نداریم.

ما کارگران و زحمت‌کشان ایران سالیان طولانی است که برای دستیابی به حداقل حقوق و امکانات اولیه زندگی، هزینه‌های سنگینی چون زندان، شکنجه، اعدام، اخراج، تهدید و ضرب و شتم پرداخته‌ایم و همچنان از حق تشکلیابی، تجمع و بیان آزادانه محروم هستیم. کارگران و زحمت‌کشان کشور، به درستی از حاکمیت جمهوری اسلامی و سرمایه‌داری که در طول بیش از چهار دهه بر گردهی ما ثروت‌های نجومی انداخته‌اند و ما را در بی‌حقوقی و ناامنی دائمی نگه داشته‌اند، خشمگین و بیزارند. تمامی مقامات و نهادهایی که در سرکوب و کشتار کارگران، زنان، جوانان و مردم تحت‌ستم ایران نقش داشته‌اند، باید توسط مردم ستم‌دیده محاکمه و مجازات شوند.

مبارزه‌ی ما کارگران، مبارزه‌ای است اجتماعی و طبقاتی. این مبارزه با اتکا به نیروی خودمان، در تداوم جنبش‌های سال‌های اخیر از جمله برای «نان، کار، آزادی» و «زن، زندگی، آزادی» و در پیوند با حمایت بین‌المللی طبقه کارگر و نیروهای بشردوست و آزادیخواه و برابری طلب، به پیش خواهد رفت.

ادامه‌ی مسیر جنگ کنونی، جز تخریب بیشتر، آسیب‌های جبران‌ناپذیر به محیط‌زیست، و تکرار فجایع انسانی، پیامدی نخواهد داشت. طبقه کارگر و مردم محروم ایران، همچون ستم‌دیدگان دیگر کشورهای منطقه، از قربانیان اصلی این وضعیت‌اند.

تشکلهای امضاکننده‌ی این بیانیه از تمامی تشکلهای کارگری، نهادهای حقوق بشری، گروه‌های ضدجنگ، فعالان زیست‌محیطی و نیروهای صلح‌طلب در سراسر جهان می‌خواهند که یک‌صدا خواهان توقف فوری جنگ، بمباران، کشتار مردم بیگناه و تخریب محیط‌زیست شوند و از مبارزات مردم ایران و منطقه برای پایان دادن به نسل‌کشی، جنگ‌افروزی و سرکوب حمایت کنند.

مردم خاورمیانه نیازمند پایان تنش‌های خانمان‌برانداز میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و برقراری صلحی پایدارند؛ صلحی که در پرتو آن، مردم بتوانند سرنوشت خود را از طریق سازمان‌دهی، تشکلهای توده‌ای، گسترش اعتراضات و مشارکت مستقیم و همگانی، تعیین کنند.

نه به جنگ – نه به سیاست‌های جنگ‌افروزان



آتش‌بس فوری، خواست بلافاصله‌ی ماست  
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه  
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه  
کارگران بازنشسته خوزستان  
اتحاد بازنشستگان  
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری  
گروه اتحاد بازنشستگان

**چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!**

**همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!**

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد  
حمایت کنیم!**

**از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد‌های اسارت‌بار موقت  
حمایت کنیم!**

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در  
آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**